

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی مقامه نویسی در ادب عربی و فارسی

(همدانی، حریری، حمیدی)

با

پیکار سک نویسی در ادب اسپانیا

(لائاریو ترمسی، پابلوس ال بوسکون)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

استاد راهنما: دکتر نجمه شبیری

استاد مشاور: دکتر سعید واعظ

نگارنده: مریم رحیمیان

شهریور ۱۳۹۲

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی تطبیقی مقامه‌نویسی در ادب عربی و فارسی (همدانی، حریری، حمیدی) با پیکارسک نویسی در ادب اسپانیا (لازاریو ترمسی، پابلوس ال بوسکون)
نویسنده/ محقق: مریم رحیمیان
مترجم: -
استاد راهنما: دکتر نجمه شبیری استاد مشاور/ استاد داور: دکتر سعید واعظ/ دکتر احمد تمیم داری
کتابنامه: دارد واژه نامه: -
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۹۱-۹۲
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: زبان و ادبیات فارسی
تعداد صفحات: ۱۹۶ صفحه گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: ادبیات تطبیقی، مقامه، پیکارسک، مقامات همدانی، مقامات حریری، مقامات حمیدی، لازاریو ترمسی، پابلوس ال بوسکون.
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: Comparative Literature, Magameh, Picaresque, Magamate Hamedani, Magamate Hariri, Magamate Hamidi, Lazarillo de Tormes, Pablous el Buscón

چکیده

الف: موضوع و طرح مسأله (اهمیت موضوع و هدف):

داستان‌های مقامات که در قرن چهارم در ادب عربی به وجود آمد و در قرن ششم به ادب فارسی راه یافت، با نوع ادبی پیکارسک که در قرن شانزدهم در ادب اسپانیا به وجود آمد دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در حیطه‌ی ساختار ادبی و محتوایی می‌باشد. این دو نوع ادبی دارای ساختاری ایپیزودیک (فصل به فصل) هستند و مفاهیمی چون فقر، سفر، گدایی، فریب، انتقاد از افراد برجسته جامعه و ... مضامین داستانی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش دو موضوع اصلی، هدف و محور تحقیق بوده است:

۱- بیان تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که دو نوع ادبی مقامات و پیکارسک در حوزه ساختار ادبی با یکدیگر دارند.
۲- درحوزه‌ی پژوهش محتوایی دو اثر مقامات و پیکارسک، سعی شده است علاوه بر رابطه‌ی تاریخی که میان این دو نوع ادبی وجود دارد، همسو با تئوری نظریه پردازان مکتب آمریکایی به نقد و بررسی جوامعی که این دو اثر در آن‌ها شکل گرفته‌اند پرداخته شود، چرا که گفتمان‌های فرهنگی و اقتصادی حاکم در این جوامع، عامل موثری در به وجود آمدن ویژگی‌های محتوایی دو نوع ادبی پیکارسک و مقامات بوده‌اند.

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

- ۱- ظهور دو نوع ادبی مقامه و پیکارسک در چه دوره‌ی تاریخی است؟
- ۲- آیا فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم در شکل‌گیری فن مقامات و پیکارسک تاثیر داشته است؟
- ۳- ساختار ادبی و محتوایی مقامات (همدانی، حریری، حمیدی) و نوع ادبی پیکارسک (لازاریو ترمسی و پابلوس ال بوسکون) چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد فضای فرهنگی و اجتماعی زمان، در شکل‌گیری داستان‌های مقامات (همدانی، حریری، حمیدی) و نوع ادبی پیکارسک (لازاریو ترمسی و پابلوس ال بوسکون) تأثیر زیادی داشته است.
- ۲- از لحاظ ساختار ادبی و محتوایی، مشابهت‌هایی میان داستان‌های مقامات (همدانی، حریری، حمیدی) و داستان‌های پیکارسک اسپانیایی (زندگی عصاکش ترمسی و پابلوس ال بوسکون) وجود دارد.
- ۳- دلایل تاریخی راه یافتن فن مقامات به اسپانیا و آشنایی اسپانیایی‌ها با فن مقامات، فرضیه‌ی تاثیر پذیرفتن داستان‌های پیکارسک از مقامات و مشابهت‌هایی که میان این دو نوع ادبی وجود دارد را تقویت می‌کند.

پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه‌ی مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه‌ی اجرای آن، شیوه‌ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و یادداشت برداری و نمونه‌گیری از تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است که در قسمت‌های ساختار ادبی و مضامین داستان‌های مقامات و پیکارسک با توجه به تاثیرپذیری این دو نوع ادبی از عوامل فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی حاکم در زمان شان و رابطه تاریخی که میان این دو نوع ادبی وجود دارد، انجام شده است. و از سوی دیگر به رابطه تاریخی که سبب تاثیر و تاثر این دو نوع ادبی با یکدیگر در طول تاریخ شده است نیز پرداخته می‌شود.

ت. یافته‌های تحقیق:

این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار ادبی دو نوع ادبی مقامه و پیکارسک در زمینه زاویه دید، شخصیت، صحنه، پیرنگ و در حوزه‌ی مضامینی نظیر فقر، گدایی، سفر، انتقاد از افراد برجسته جامعه تحت تاثیر روابط تاریخی میان این دو نوع ادبی و نیز تحت تاثیر ویژگی فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی زمان خود بوده است.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

تعامل فرهنگی و تاریخی سبب شده است که نوع ادبی مقامه که در قرن چهارم در زبان عربی توسط همدانی به وجود آمد و در قرن پنجم توسط حریری به اوج خود رسید، در قرن ششم توسط حمید الدین بلخی به ادب فارسی راه یابد. تحت همین تعاملات فرهنگی و تاریخی در زمان حکومت مسلمانان در اندلس مقامات توسط *الخریزی* و *سالمون زقبیل*، ترجمه شد و همین امر سبب آشنایی مسیحیان و اسپانیایی‌ها با فن مقامه نویسی شد. در بحبوحه‌ی رنسانس در قرن شانزدهم اولین پیکارسک به نام «عصاکش ترمسی» پا به عرصه ادبیات اسپانیا گذاشت و در قرن هفدهم مشهورترین داستان پیکارسک به نام «پابلوس ال بوسکون» نوشته شد که در حیطه‌ی ساختار ادبی و محتوایی، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با داستان‌های مقامات دارند. در حوزه ساختار ادبی می‌توان به زاویه دید اول شخص، پیرنگ سست، شخصیت‌های ایستا و حيله‌گر و صحنه و سبک، اشاره کرد و در حوزه‌ی مضامینی از قبیل فقر و گدایی و فریب و سفر، نفاق و دو رویی نیز شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که بیشتر از آن که تحت تاثیر روابط تاریخی باشد، تحت تاثیر اِل‌مان‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی حاکم بر زمان شان بوده‌اند، چرا که مقامات حمیدی در خراسان که مهد فرهنگ بوده و دوره‌ای که ایران در رفاه اقتصادی نسبی به سر می‌برده است به وجود آمده، در آن مضامینی از قبیل فقر، حيله‌گری و گدایی بسیار کم‌رنگ است، حال آن که چنین مضامینی در مقامات همدانی و حریری و لاثاریو ترمسی و پابلوس ال بوسکون به دلیل ساختارهای مشابه فرهنگی و اجتماعی، بسیار پررنگ و برجسته دیده می‌شوند. در پایان نگارنده پیشنهاد می‌کند به دلیل اهمیت نوع ادبی پیکارسک در جهان و نبود منابع کافی و ترجمه در ایران در ارتباط با این موضوع ادبی، آثار مهمی چون «گوئمن د آلفارچه» اثر *اِل‌مان* و دیگر نوشته‌های تخصصی ترجمه شوند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نماییم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

چکیده

مقامه، نوع ادبی مشترک در ادبیات عربی و فارسی است که در قرن چهارم برای اولین بار توسط «بدیع الزمان همدانی» در زبان عربی به وجود آمد و در قرن پنجم به تقلید وی «ابوالقاسم حریری» نیز به زبان عربی پنجاه مقامه نوشت و به دنبال این جریان مقامه نویسی در قرن ششم به ادب پارسی راه یافت و قاضی «حمیدالدین بلخی» به زبان فارسی مقاماتی در بیست و چهار فصل نگاشت.

«مقامات» داستان‌هایی هستند به نثر مصنوع که در طی آن‌ها قهرمان داستان در سفرهای مختلف خویش از راه تکدی و حيله‌گری روزگار می‌گذراند و فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی خویش را با زبانی طنزآمیز و انتقادی به چالش می‌کشد. این نوع ادبی شباهت‌هایی با نوع داستانی «پیکارسک» اسپانیایی، زندگی «عصاکش تُرمسی» که در قرن شانزدهم و «پابلوس ال بوسکون» که در قرن هفدهم نوشته شده‌اند دارد. که در آن شخصی شیاد و حيله‌گر برای ادامه بقای خویش به سفرهای گوناگونی می‌پردازد و به خدمت اربابان مختلفی درمی‌آید و از راه گدایی و چاپلوسی روزگار می‌گذراند و با زبانی طنزآمیز و طعن آلود، اربابان و گفتمان حاکم جامعه‌ی خویش را مورد نقد قرار می‌دهد.

در بررسی ساختار ادبی داستان‌های مقامات همدانی، حریری و حمیدی با پیکارسک عصاکش تُرمسی و پابلوس ال بوسکون می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را مشاهده کرد. از جمله ساختار داستان‌های پیکارسک است که ماجراهایش به شیوه‌ی زندگی نامه‌ای و در قالب فصل‌های مختلف اتفاق می‌افتد که در آن راوی معین و ثابتی حلقه‌ی وصل بخش‌های مختلف داستان به یکدیگر می‌شود. این شیوه همانندی بسیاری با ساختار اپیزودیک (فصل‌بندی شده) داستان‌های مقامات دارد که مانند داستان‌های پیکارسک راوی ثابت و مشخصی به تعریف داستان‌ها می‌پردازد و از سوی دیگر در حوزه‌ی پیرنگ، زاویه دید،

شخصیت، لحن، سبک و ... نیز میان داستان‌های مقامات و پیکارسک شباهت‌هایی وجود دارد.

در عرصه‌ی محتوایی نیز داستان‌های مقامات و پیکارسک دارای مضامین مشترکی چون فقر و حيله‌گری، گدایی، سفر، فریب، دزدی و انتقاد از افراد برجسته جامعه و ... هستند که فرضیه‌ی مشابهت میان دو نوع ادبی پیکارسک و مقامات را تقویت می‌کند.

کلیدواژه: ادبیات تطبیقی، مقامه، پیکارسک، مقامات همدانی، مقامات حریری، مقامات حمیدی، لائاریو عصاکش ترمسی، پابلوس ال بوسکون.

پیشگفتار

داستان‌های مقامات و پیکارسک ساختاری اپیزودیک (فصل به فصل) دارند و قهرمان آن‌ها شخصی حيله‌گر و شياذ است که از راه گدايي و سفر کردن زندگي خویش را می‌گذرانند. در بخش محتوایی داستان‌های مقامات و پیکارسک مضامینی از قبیل، سفر، ناپدید شدن قهرمان داستان، فقر، فریب، نفاق، انتقاد از مسائل فرهنگی و اجتماعی و افراد برجسته جامعه دیده می‌شود. محقق از طریق کتاب «الادب المقارن» دکتر «غنیمی هلال» پی به ارتباطی که این دو نوع ادبی با یکدیگر دارند برده است و بعد از مطالعه در این زمینه با توجه به گفته‌های نویسندگانی نظیر پرفسور «گیب»^۱ و «گونزالز پلنسیا»^۲ و پرفسور «جیمز توماس مونرو»^۳ استاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا که یکی از محققان برجسته در حوزه‌ی پژوهش در زمینه داستان‌های مقامات و پیکارسک است و به اهمیت تحقیق میان دو نوع ادبی مقامات و پیکارسک اشاره کرده است، در صدد تحقیق در این زمینه بر آمده است.

در پژوهش حاضر، محقق در بخش نوع ادبی پیکارسک با مشکل جدی کمبود منابع مواجه بوده است، لذا اکثر منابع استفاده شده در این پایان نامه از زبان انگلیسی و اسپانیایی هستند، از جمله داستان پیکارسک مشهور پابلوس ال بوسکون که یکی از مشهورترین پیکارسک‌های جهان به شمار می‌رود. به همین خاطر خود را موظف می‌داند که از زحمات و راهنمایی‌های اساتید بزرگوار خانم دکتر «نجمه شبیری» و آقای دکتر «سعید واعظ» که در پیوند مرزهای فرهنگی و تاریخی این دو نوع ادبی کمک فراوانی به محقق نموده‌اند تشکر و قدردانی نماید.

۱- Hamilton Alexander Rosskeen Gibb متولد ۲ ژانویه ۱۹۸۵ و در گذشت به تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۷۱. تاریخ دان و شرق شناس اسکاتلندی است.

۲- گونزالز پلنسیا شرق شناس اسپانیایی است و در مورد فلسفه اسلامی و ادب عربی در اندلس تحقیق می‌کرده است.

۳- جیمز توماس مونرو استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه برکلی کالیفرنیا ی آمریکا است که متخصص در مقامات و پیکارسک است و دکترای خود را از دانشگاه هاروارد آمریکا دریافت کرده است.

فهرست مطالب

و	چکیده
ح	پیشگفتار
۱	مقدمه
۶	فصل اول: کلیات
۷	۱- ادبیات تطبیقی
۱۰	۲- مقامه
۱۲	۳- مقامات بدیع الزمانی همدانی
۱۵	۴- مقامات ابومحمدقاسم بن علی الحریری
۱۸	۵- مقامات حمیدالدین ابوبکر عمر بن محمودی بلخی
۲۱	۶- پیکارسک
۲۳	۷- پیکارسک عصاکش ترمسی
۲۵	۸- پیکارسک پابلوس ال بوسکون
۲۷	فصل دوم: بررسی ساختار ادبی داستان‌های مقامات و پیکارسک
۳۰	۱- شخصیت
۳۲	الف) قهرمان
۳۸	ب) راوی
۴۱	ج) شخصیت فرعی و مخالف
۴۲	۲- لحن
۴۸	۳- زاویه دید
۵۲	۴- صحنه
۵۳	الف) محل جغرافیایی داستان
۵۵	ب) ویژگی رفتاری و اخلاقی شخصیت‌ها و عادات و روش زندگی‌شان
۵۷	ج) زمان وقوع حوادث داستان‌ها
۶۵	۵- پیرنگ

۶۶	الف) گره افکنی در داستان‌های مقامات
۶۸	ب) کشمکش در داستان‌های مقامات و پیکارسک
۶۸	ج) تعلیق در داستان‌های مقامات و پیکارسک
۶۹	د) گره گشایی در داستان‌های مقامات و پیکارسک
۷۰	۶- سبک
۷۱	۱-۶- سبک در مقامات همدانی و حریری
۷۲	الف) تضمین و تلمیح به آیات و روایات
۷۴	ب) آوردن جناس و سخنان مسجع و آهنگین
۷۵	ج) آوردن شعر در لابه‌لای نثر
۷۷	د) آوردن ضرب المثل
۸۰	هـ) تشبیه
۸۲	و) استعاره
۸۴	ز) کنایه
۸۷	ح) طنز
۹۴	سبک ادبی قرن ۱۶ و ۱۷ در اسپانیا
۹۶	۲-۶- سبک داستان عصاکش ترمسی
۹۸	الف) طنز
۱۰۲	ب) آبرونی
۱۰۳	ج) تلمیح به کتاب تورات و انجیل
۱۰۵	د) ضرب المثل
۱۰۷	هـ) سمبل
۱۰۷	۳-۶- سبک داستان پابلوس ال بوسکون
۱۰۸	الف) کنایه
۱۱۰	ب) استعاره

۱۱۲	فصل سوم: بررسی و نقد مضامین داستان‌های مقامات و پیکارسک
۱۱۳	۱- جامعه‌شناسی داستان‌های مقامات و پیکارسک
۱۲۲	۲- دورویی و نفاق
۱۲۸	۳- گدایی
۱۳۶	۴- حيله گری و فریب

۱۴۵	۵- سفر
۱۵۴	۶- ناپدید شدن قهرمان داستان
۱۵۸	۷- برخورد تصادفی شخصیت‌های داستانی با یکدیگر
۱۶۱	۸- انتقاد به اشخاص برجسته جامعه
۱۶۷	۹- ضد قهرمان
۱۷۰	۱۰- معرفی شخصیت‌ها از زبان خودشان
۱۷۶	۱۱- فقر
۱۸۴	۱۲- توارد یا اقتباس
۱۸۶	فصل چهارم: نتیجه گیری
۱۹۱	منابع و ماخذ

مقدمه

ادبیات تطبیقی که بررسی متون میان فرهنگ زبان‌های مختلف است، علمی بینا رشته‌ای محسوب می‌شود. به گفته‌ی سوزان باس نت، دل مشغولی ادبیات تطبیقی الگوهای ارتباطی میان متون ادبی با معیار زمان و مکان است؛ ارتباط همه جا وجود دارد و هیچ رویداد منفردی، جز با بررسی و رابطه‌اش با رخداد‌های دیگر به درستی درک نخواهد شد (رک: باس نت، ۱۳۸۸: ۷-۸). با مبنا قرار دادن این تعریف، می‌توان نوع ادبی مقامات را که در قرن «۴ق»، «۶ه» (قرن دوازده میلادی) در زبان فارسی و عربی رواج داشت، با نوع ادبی پیکارسک که پایه‌های اولیه‌ی آن در قرن شانزدهم میلادی در اسپانیا گذاشته شد، مورد تطبیق قرار داد.

«مقامه در لغت از ریشه‌ی «قام یقوم» به ضم اول، به معنای اقامت و با فتحه، به معنای مجلس و گروهی از مردم است و گاه هر دو به معنای محل قیام، و گاه نیز هر دو به معنای اقامت هستند» (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۳۵۵-۳۵۴). در دوره‌ی خلفای بنی امیه کلمه‌ی مقامات به مجالسی اطلاق می‌شد که در آن پرهیزگاران و وعاظ در برابر خلیفه می‌ایستادند و آن‌ها را پند می‌دادند و این مرحله‌ی تحول مقامه از ریشه‌ی لغوی به اصطلاحی است که «ابن قتیبه» نیز در *عیون الاخبار* به آن اشاره کرده است. مقامه یک نوع ادبی نثر مصنوع آمیخته با شعر است که نمونه‌ی اعلا‌ی لفظ‌پردازی سجع در دو زبان فارسی و عربی محسوب می‌شود و برای مدت کوتاهی در این دو ادبیات رواج داشته است. این نوع ادبی شبیه داستان کوتاهی است که با پیرنگی ضعیف و لحنی طنز آلود و از منظر زاویه دید اول شخص پیرامون یک قهرمان موهوم که شخصیتی شیاد و دغل‌کار است دور می‌زند. داستان‌های مقامات موضوعاتی از قبیل فریب، گدایی، حيله‌گری و نفاق را شامل می‌شود. همچنین باید اضافه کرد که مقامه، روایتی برای بیان نکته پردازی و نشان دادن مهارت و استادی در قدرت لغوی و ادبی نویسنده آن است (رک: الفاخوری، ۱۳۸۳: ۵۳۶؛ شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

نخستین کسی که در زبان عربی به نگارش مقامه پرداخته، «بدیع الزمان همدانی» ادیب ایرانی اواخر قرن چهارم است که پنجاه و دو مقامه نوشت که از زبان «عیسی بن هشام» دغل بازی‌ها، حيله‌گری‌ها و گدایی قهرمان داستان ابوالفتح اسکندری را شرح می‌دهد. مثلاً در مقامه‌ی «النشابوریه» به انتقاد از قاضیان می‌پردازد و یا مقامه «وعظیه» جنبه‌ی اخلاقی به خود می‌گیرد و بر مقامه‌ی «المضریه» روحی فکاهی حاکم است. پس از وی، «ابو محمد قاسم بن علی بن عثمان بن حریری بصری» به تقلید از بدیع‌الزمان پنجاه و دو مقامه نگاشت که این مقامات پیرامون نیرنگ و ترفند گدایان می‌چرخند و گاه چون مقامه‌ی «الصناعیه» شکل دینی و اخلاقی به خود می‌گیرند و گاه چون مقامه‌ی «القطیمیه» و مقامه‌ی «الواسطیه» شکل ادبی و فکاهی. گاه نیز مثل مقامه‌ی «الرحبیه» به باده‌گساری و هرزگی می‌پردازند (رک: حموی، ۲۶۱: ۱۹۰۶-۲۶۱؛ شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

حریری در مقاماتش تنها هدف داستانی نداشته، بلکه آن را به شیوه‌ی داستانی برای اهداف دیگری نوشته است که خود در مقدمه‌ی کتابش چنین به آن اشاره می‌کند: «پنجاه مقامه مشتمل بر گفتارهای استوار، سخن‌های هزل گونه، واژگان درخشان و لطیفه‌های پرنغز، کنایات و امثال عرب و پندهای گریه‌آور و شوخی‌های سرگرم کننده بر آن نشاندم و همه را بر زبان ابوزید سروجی جاری کردم و روایت آن را به حارث بن همام نسبت دادم (حریری، ۹: ۱۳۶۵).

فن مقامه نویسی در ادب فارسی نیز توسط قاضی «حمیدالدین بلخی» در قرن ششم هجری ادامه یافت. او به پیروی از همدانی و حریری بیست و چهار مقامه نوشته است. «مقامات حمیدی با مسافرت راوی و غربت‌گزینی او آغاز می‌شود. قهرمان داستان غالباً پیرمردی است گاه در لباس زنان، جایی به شکل پیرمرد و در جایی دیگر با قیافه‌ی مرد جوان و غیره ظاهر می‌شود تا مردم او را نشناسند. او با وعظ خطابه و یا عوام فریبی و یا انشای نظم و نثر، مردم را به خود مشغول می‌کند. جنبه‌ی داستانی در این حکایات چندان قوی نیست و هدف اصلی، پرورش جمله‌های زیبا و ترکیب مسجع و قرینه سازی است. داستان‌ها کم و بیش جنبه‌ی فکاهی و تعلیمی و انتقادی دارد. مقامات حمیدی از حیث موضوع متنوع است. اغلب آن‌ها ادبی و برخی عرفانی و دینی، بعضی در وعظ و خطابه و یا

در دشنام و فکاهه و بعضی انتقادی‌اند و بعضی جنبه‌ی علمی و تاریخی دارند» (ابراهیمی حریری، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

داستان رمان‌های پیکارسک، زندگی نامه‌ای از شخصی خیالی یا واقعی است که در اسپانیا در مقابل رمان‌های ایده آلیست و آرمان‌گرا (رمانس) در نیمه دوم قرن شانزدهم به وجود آمد. اولین داستان پیکارسک با عنوان *لا تارویو*، عصاکش ترمسی از نویسنده‌ای گمنام نوشته شد و در پی آن «فرانسیسکو د کبدو» یکی از مشهورترین داستان‌های پیکارسک با عنوان «پابلوس ال بوسکون» را در قرن هفدهم نگاشت. پیکارو قهرمان داستان پیکارسک یک شیاد و دغل‌کار و دزد و یک انسان بی اصل و نسب است که پیوسته سفر می‌کند و از راه گدایی و شیادی و دغل‌کاری روزگار می‌گذراند. پیکارو باطناً تغییر نمی‌کند و اگر تغییری در زندگی وی به وجود آید یک تغییر بیرونی است، مثلاً ازدواج می‌کند و یا به واسطه‌ی اربابان خود به موقعیت شغلی و مالی بهتری در زندگی می‌رسد. قهرمان داستان‌های پیکارسک (پیکارو) در مسیر زندگی‌اش تا آن جا که می‌تواند به وجدان خویش وفادار می‌ماند، اما فشارهایی که در مراحل مختلف و سخت زندگی‌اش تحمل می‌کند باعث می‌شود که بخواهد بین صداقت (زندگی صادقانه) و بقا یکی را انتخاب کند. پیکارو انتخابی واقع‌گرایانه می‌کند و از اربابانش می‌آموزد که خودش را با ارزش‌های مبتذل جامعه‌ی خویش وقف دهد و رفتار بی‌ثباتی را در جریان داستان‌ها از خود نشان می‌دهد که از اربابی به ارباب دیگر و از ماجرای به ماجرای دیگر و غالباً از بدبختی به بدبختی دیگر می‌رود. و برای فرار از گرسنگی و نجات از مرگ به هر گونه نیرنگ و فریبی متوسل می‌شود. داستان‌های پیکارسک بن مایه‌ای رئالیستی دارند که از زاویه دید اول شخص و به صورت اپیزودیک، ابوابی توسط قهرمان داستان به بیان فساد و تباهی اربابان خویش و جامعه می‌پردازند. پیرنگ ضعیف، زبان طنزآمیز و هجوآلود یکی از ویژگی‌های بارز سبکی این آثار است. محتوای داستان‌های پیکارسک نیز عمدتاً فقر و گدایی، شیادی و دغل‌کاری و دزدی و تبهکاری است که متأثر از جامعه‌ای است که در آن کلیسا قدرت سیاسی و مذهبی زیادی داشته است و مسبب فقر و بدبختی توده‌ی عظیمی از مردم جامعه بوده است. رمان‌های پیکارسک اسپانیایی خیلی سریع به زبان‌های اروپایی ترجمه شد. مثلاً زندگانی *لا تارویو* عصاکش ترمسی در سال ۱۵۶۰ به زبان فرانسه و در سال ۱۵۷۶ به زبان انگلیسی، در سال ۱۵۷۹ به زبان هلندی و سپس از

آن به زبان آلمانی، ایتالیایی و لاتین ترجمه شد. (رک: Cuneo، ۱۹۲۹: ۱۲۵/۱۲۸؛ کهنمویی پور، ۱۳۸۱: ۷۶۸؛ Introduction، Alpert، 2008).

پژوهش حاضر به صورت توصیفی، یادداشت برداری و نمونه گیری به تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که در قسمت ساختار ادبی و مضامین داستان‌های مقامات و پیکارسک وجود دارد می‌پردازد. که در زبان فارسی تاکنون هیچ مقاله و یا پژوهشی در مورد این موضوع نوشته نشده، اما متخصصان خارجی همچون دکتر غنیمی هلال و پرفسور گیب و پرفسور مونرو در زمینه‌ی تحقیق در باره‌ی این موضوع تاکید فراوانی کرده‌اند. در این پژوهش دو موضوع اصلی محور تحقیق قرار گرفته است:

۱- بررسی ساختار ادبی داستان‌های مقامات و پیکارسک و بیان تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که این دو نوع ادبی در زمینه‌ی ساختار ادبی‌شان با یکدیگر دارند.

۲- در حوزه‌ی پژوهش محتوایی دو اثر مقامات و پیکارسک، سعی شده است که همسو با تئوری نظریه پردازان مکتب آمریکایی به نقد و بررسی جوامعی که این دو اثر در آن‌ها شکل گرفته‌اند پرداخته شود، چرا که گفتمان‌های فرهنگی و اقتصادی حاکم در این جوامع عامل موثری در به وجود آمدن ویژگی‌های محتوایی دو نوع ادبی پیکارسک و مقامات بوده‌اند. علاوه بر این رابطه‌ی تاثیر و تاثیرپذیری این دو نوع ادبی از یکدیگر بر اساس سندهای تاریخی که وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های میان داستان‌های مقامات و پیکارسک را نشان می‌دهد نیز مورد تحقیق و بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول شامل موضوعاتی از قبیل: ۱- تعریف ادبیات تطبیقی و بیان صحبت‌های متخصصان این حوزه درباره‌ی رابطه‌ای که میان دو نوع ادبی مقامات و پیکارسک وجود دارد ۲- تعریف مفاهیم اصلی چون مقامه، پیکارسک و معرفی نویسندگان و آثار آنان که شامل مقامات همدانی و حریری در ادب عربی و مقامات حمیدی در ادب فارسی و پیکارسک (عصاکش ترمسی و پابلوس ال بوسکون) در ادبیات اسپانیایی می‌شود.

در فصل دوم به بررسی عناصر تشکیل دهنده‌ی ساختار ادبی داستان‌های مقامات و پیکارسک از جمله شخصیت‌ها، زاویه دید، پیرنگ، لحن، صحنه و سبک این دو نوع ادبی پرداخته می‌شود.

در فصل سوم به بررسی و نقد مضامین داستان‌های مقامات و پیکارسک با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی‌ای که این دو نوع ادبی در آن شکل گرفته‌اند، می‌پردازیم.

در فصل چهارم محقق به این نتیجه می‌رسد که وجود رابطه‌ی تاریخی و گفتمان‌های فرهنگی و اجتماعی مشابه در جامعه‌هایی که داستان‌های مقامات و پیکارسک شکل گرفته‌اند، سبب به وجود آمدن تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در ساختار ادبی و مضامین شکل دهنده‌ی دو نوع ادبی مقامات و پیکارسک شده است.

فصل اول کلیات

۱- ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی علاوه بر بررسی متون ادبی و عوامل موثر در شکل‌گیری آثار ادبی ملت‌ها به تاثیر متقابل آثار ادبی هر ملت در ملتی دیگر می‌پردازد و در این راه با برداشتن مرزهای فرهنگی و اجتماعی از میان جوامع گوناگون، ادبیات را به عنوان پدیده‌ی جهان شمول که می‌تواند نقش موثری در تقویت و استحکام روابط انسانی و ظهور جریان‌های اصیل فکری در جهت بالندگی فرهنگی و اجتماعی جوامع داشته باشد معرفی می‌نماید. فرانسه از پیشگامان حوزه‌ی ادبیات تطبیقی است که برای نخستین بار در سال ۱۸۲۷ «فیلمان» استاد دانشگاه سوربن اصطلاح ادبیات تطبیقی را پیشنهاد کرد که پذیرفته شد و در همین راستا نخستین کنگره‌ی ادبیات تطبیقی در پاریس (۱۸۷۸) به ریاست «ویکتور هوگو» برگزار گردید، و بدین سان مباحثات و بررسی‌های علمی در باب موضوعاتی که وارد حوزه‌ی ادبیات تطبیقی می‌شوند و به غنای آن می‌افزایند، مورد بررسی قرار گرفت. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۶۳)

آنچه از نقطه نظر مکتب فرانسه، ادبیات تطبیقی گفته می‌شود در واقع ادبیاتی است که به مقایسه‌ی ادبیات مشخص با ادبیات سایر ملل بر پایه‌ی روابط تاریخی که میان آثار ادبی وجود دارد می‌پردازد و زبان‌های آثاری که در مکتب فرانسه مورد مطالعه قرار می‌گیرند باید از دو زبان مختلف باشند و بر طبق نظریه‌ی مکتب فرانسه مطالعه‌ی ادبیات با سایر هنرهای دیگر در حوزه‌ی مطالعات ادبیات تطبیقی نمی‌گنجد. (رک: کفافی، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۷). اما در حوزه‌ی مکتب آمریکایی مطالعات ادبیات تطبیقی در آمریکا به جنبه‌ی گسترده‌تری می‌پردازد. نزد محققان این فن، ادبیات تطبیقی در بر گیرنده‌ی تمام پژوهش‌های تطبیقی بین ادبیات مختلف یا بین ادبیات و سایر هنرها دیگر به طور خاص بوده و بین آن‌ها و دیگر معارف بشری به طور عام می‌تواند انجام می‌پذیرد. ممکن است ادبیات تطبیقی در آمریکا جنبش رمانتیسم در شعر و موسیقی را هم بررسی کند؛ چنان که ادبیات، روان‌شناسی یا ادبیات و اخلاق را هم بررسی می‌نماید (همان، ۱۵-۱۴).

در زمینه‌ی رابطه‌ی تطبیقی که دو نوع ادبی مقامات و پیکارسک با یکدیگر دارند دکتر غنیمی هلال با توجه به نظریه‌ی مکتب فرانسوی در مورد رابطه مقامات و داستان‌های پیکارسک که به دلیل فتح کشور اسپانیا و حکمرانی مسلمانان در آن کشور به وجود آمد چنین می‌گوید: «نسبت به تاثیر مقامات بدیع الزمان و حریری در داستان‌های پیکارسک اسپانیایی، شباهت‌های زیادی وجود دارد و نویسندگان مسلمان عرب اسپانیا از جمله «ابن القصیر فقیه» و «ابوطاهر محمدبن سرقسطی» در اواخر قرن سیزدهم م. به تقلید از مقامات عربی پرداختند و مقامات حریری توسط گروهی از مسلمانان اسپانیا شرح شده است، از قبیل: شرح «عقیل بن عطیه» (فوت ۱۲۱۱ م.) و «ابوالعباس احمد شریشی» (فوت: ۱۲۲۲ م.). مقامات حریری در قرن دوازدهم میلادی توسط «سالمون بن زقبیل» و سپس به وسیله‌ی «الخریزی» به عبری ترجمه شد و در سال ۱۲۰۵ م. منتشر گردید. این کتاب در میان عبری زبانان و مسیحیان اسپانیا رایج بود و آن را به زبان‌های خود ترجمه کردند. بنابراین مقامات حریری در ادبیات عربی اندلس از مقبولیت بسیار خوبی برخوردار شد و به نظر دور می‌رسد که نویسندگان اسپانیایی از این کتاب معروف بی اطلاع بوده باشند. و همین رابطه‌ی تاریخی وجوه تشابه بین مقامات و داستان‌های پیکارسک را تفسیر می‌کند.» (غنیمی هلال، ۱۳۹۰، ۲۸۰-۲۷۹).

محققان دیگری نیز در مورد پژوهش میان دو نوع ادبی مقامات و پیکارسک سخن گفته‌اند چنان که به عنوان مثال «پرفسور گیب» با اشاره به تاثیرهای احتمالی شرقی یا اسلامی بر ادبیات غربی، معتقد است که «... رمان‌های پیکارسک اسپانیایی شباهت‌های خاصی» در ساختار با داستان‌های مقامات دارند. همچنین وی اضافه می‌کند که این «... شاخه از زیبانویسی‌های (belles-lettres) عربی ممکن است در ادبیات قرون وسطی تاثیر گذاشته باشد». گونزالز پالنسیا در کتاب «- Historia de La Literatura Arábigo Española» خود معتقد است که شباهتی که داستان‌های مقامات با رمان پیکارسک در حوزه‌ی مضامین و ساختار از خود نشان می‌دهند حیرت‌آور است وی همچنین در مورد ظهور ناگهانی سبک داستان پیکارسک در اسپانیا بدون هیچ الگوی از پیش تعیین شده‌ای ابراز حیرت می‌کند. وی اظهار می‌دارد که ما باید کتاب معروف مقامات حریری را در شکل‌گیری داستان‌های پیکارسک مورد مطالعه قرار دهیم؛ چرا که در مطالعه‌ای که یک

الجزایری در مورد شخصیت قهرمان مقامات حریری کرده است، شکی بر جای نمی‌گذارد که ابوزید یک قهرمان پیکارسک (پیکارو) است و این موضوعی است که باید مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد» (Abu-Haidar، 1974:1).

پرفسور «جمیز توماس مونرو» استاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا در مقاله‌ای با عنوان «فن بدیع الزمان الهمدانی و قصص البیکارسک» در مورد تاثیر ادبیات عرب بر ادبیات اروپا و داستان‌های مقامات و پیکارسک چنین می‌گوید «حکایت‌های مستقل و مجموعه‌ها و آثار دیگری از قصه‌ها و داستان‌های نثری که از عربی به لاتین یا زبان کاستیلی و به ویژه به اسپانیا بی ترجمه شدند، تاثیر به سزایی در تغییر و تحولات ادبیات اروپایی داشته‌اند» (مونرو، ۱۹۹۳: ۱۵۱). «مقامه‌های کلاسیک همدانی و حریری به عنوان دو نوع ادبی شناخته شده در ادبیات جهانی، بیشترین همانندی را با نوع ادبی پیکارسک از جمله داستان‌های «لائاریو ترمسی» از نویسنده‌ای ناشناس و «گوئمن آلفارچه‌ای» از «ماتیوآلمان» و «پابلوس ال بوسکون» از «فرانسیسکو د کبدو» از خود نشان می‌دهند که این مسأله در خور پژوهش بیشتر است؛ چنان که پژوهشگران عصر قدیم و مورخان ادبیات داستانی اروپا، تلاش‌های زیادی در بررسی طبیعت ادبیات پیکارسک در اروپا مبذول داشته‌اند و درباره‌ی این موضوع بیوگرافی‌های جالب و زیادی را به وجود آورده‌اند. و این در حالی است که این محققان با آثار مقامات آشنایی داشتند و در بعضی اوقات به خاطر ارتباط محکمی که میان مقامات و پیکارسک مشاهده می‌کردند، صفحاتی را به زبان سامی از این نوع ادبی (مقامه) در آثارشان قرار می‌دادند» (همان: ۱۵۳).